

## امام علی (ع) و قرآن

ترجمه سید حیدر علوی نژاد

تصویری که قرآن کریم از شخصیت امیرالمؤمنین(ع) ترسیم می کند صددرصد هماهنگ با تصویری است که احادیث ترسیم می کنند، با تدبّر در ملاکها و جنبه های ولایت و واقعیت‌های وجودی زندگی علوی و سیره رسول(ص)، آن تصویر کامل می شود.

یادآور می شود که پژوهش درباره امام علی در قرآن تا هنوز به اندازه کافی صورت نپذیرفته است. تا کنون پژوهشی متناسب با موضوع به نظر نرسیده است. این موضوع جنبه های بسیار و بحث‌های گسترده لازم دارد که وقت فراوان می خواهد و تلاش‌های گسترده، و قسمت بسیاری از آیات قرآن را در بر می گیرد... اما ما در اینجا به آنچه که متناسب با روش مان در این نوشتار است بسنده می کنیم؛ و به اندازه مجال به گونه ای گذرا به آیاتی اشاره می کنیم که تصویری از شخصیت امام علی(ع) و نقشی را که در این دوره پایان رسالت انجام داده نشان می دهند، و آیاتی که جایگاه آن حضرت را نزد خداوند بیان می کنند، و برخی از ملاکها و جنبه های ولایت آن حضرت. ۱

آیات در این زمینه واقعاً بسیار هستند؛ می توان آنها را در چند بخش اصلی قرار داد، برخی از آن آیات به صورت عمومی از پیامبران، شهیدان و صدیقین سخن می گویند، برخی به صورت ویژه به تمثیل ولایت علی(ع) می پردازند، مانند هارون و داوود(علیهم السلام)، برخی از آیات نیز درباره ایمان، مؤمنان، اوصاف و مسئولیتهای بزرگ مؤمنان و درجات آنان در نزد خدای سبحان است، و آیاتی که درباره اولیاء الله، و قوانین «تولی» و از اهل بهشت، ابرار، متقیان، صالحان و وارثان بهشت سخن می گویند، و آیاتی که از احوالات مؤمنان در روز قیامت سخن می گویند، امیرالمؤمنین علیه السلام مثل و مصداق اعلاّی برخی از این آیات پس از رسول اکرم(ص) است. برخی از آیات نیز به گونه ای هستند که مصداقی جز امیرمؤمنان و خاندان او ندارند، برخی دیگر نیز کسی مصداق آن نخواهد بود مگر از راه تمسک به ولایت شان.

قسمتی عظیم از آیات یا فقط درباره علی(ع) نازل شده است، یا درباره آن حضرت، یا برخی از بنی هاشم و بعضی از مؤمنان.

برای رعایت اختصار، سخن را در دو فصل خلاصه می کنیم.

۱. مثل‌هایی از داستانهای انبیاء، شهداء و صدیقین.

۲. آیاتی که مصداق یگانه آنها یا مصداق برتر آنها علی(ع) است، یا درباره آن حضرت به تنهایی، یا

با بعضی از بنی هاشم و یا برخی از مؤمنان نازل شده اند.

۱. نمونه هایی از پیامبران، شهیدان و صدیقان

درباره چگونگی استفاده از این دسته از آیات به حداقل مورد نیاز بسنده خواهیم کرد.

نوح(ع)

اگر آیات مربوط به داستان حضرت نوح را گردآوری کنیم برخی از جنبه های شخصیت امام علی را تصویر خواهند کرد، و تفسیر برخی از فرازهای سیره آن حضرت را به دست خواهند داد. مثلاً اگر به آیاتی که توانایی شخصیت نوح (ع)، صبر او را بر آزارها و مصیبتها در راستای دعوت، پایداری او بر حق و استقامت او در مسیر آن را بیان می کنند، به رغم رویگردانی مردم از آن حضرت و استهزاء او، و تنهایی اش در میدان مبارزه و اینکه تنها خود او از راز راهش آگاه بود، خواهیم دید که برخی از جنبه های شخصیت علی(ع) را مانند شخصیت قوی، پایداری و نهراسیدن او از دشواریهای راه، اگر چه رهروان آن اندک باشند، به ما نشان خواهند داد.

#### ابراهیم(ع)

هنگامی که آیات مربوط به حضرت ابراهیم گردآوری شوند، گوشه هایی دیگری از شخصیت علی(ع) را ترسیم می کنند: بت شکنی، انحصار پیامبری در ذریه او، ملاکها و ابعاد ولایت او، امامت، شدت «فناي» او در راه خدا، راستی او با خدا، جهادش در راه خدا، قربانی کردن عزیزترین پسرش، و شدت اعتماد او به خدا، و توجه او به برنامه رسالت بعد از خودش، آینده نگری و خستگی ناپذیری او، فرمانبری او نسبت به فرمان خدا حتی با قربانی کردن پسرش، تلاش مستمر او، بنا کردن بیت الحرام، و توصیه او به فرزندانش نسبت به جهاد، پایداری، نماز، حج، خدمت به کعبه، اینها همه گوشه هایی از شخصیت امیرالمؤمنین علی(ع) را ترسیم می کنند. امام علی(ع) مناقبی دارد مانند این مناقب، حالات و مزیتهایی همگون با ابراهیم و موضع گیری ها و نقشهایی همانند آنچه از ابراهیم(ع) در قرآن آمده است. . . .

#### اسماعیل(ع)

آن گاه که درباره شخصیت اسماعیل(ع) می خوانیم که چگونه در رسالت مهم پدرش وزیر او بود، و مطیع پدر، و از صبرش می خوانیم در برابر دشواریها و حتی درباره ذبح شدنش، بدون هیچ گفت و گو و سؤالی، این آیات تصویری از وزارت علی(ع) برای رسول خدا برای ما ترسیم می کنند، تحمل مشقتها و دشواریها، صبرش در برابر قربانی شدن و مرگ برای اهداف رسول خدا، و انتظار قضای الهی، و امتثال فرمان او، بدون هیچ اعتراض و اشکالی.

#### یعقوب(ع)

همین گونه است نسبت به یعقوب(ع) و وصیت او به فرزندانش، و دقت و توجه او به نبوت و امامت پس از خودش، توجهش به محافظت از یوسف(ع) و حرص او به سلامتی یوسف، پدر «سبطها» از میان فرزندانش. . . .

#### موسی(ع)

وقتی که آیات مربوط به شخصیت موسی(ع) را گردآورید، آیاتی که درباره شخصیت موسی(ع) سیره، قاطعیت، نیرومندی، انجام کارهای مهم با دست خودش، سخن می گویند تصویری از شخصیت علی بن ابی طالب ترسیم می کنند، از توانایی، شجاعت، قاطعیت او در اطاعت از خداوند، و اینکه

ملامت ملامت گران او را در راه اطاعت خدا سست نمی کرد، و از سازش ناپذیری حضرت در اجرای احکام اسلام...

و هنگامی که آیات مربوط به «عصا» ی موسی(ع) را می خوانیم، دست و شمشیر علی تداعی می شود، و حماسه هایی که آفرید. از سوی دیگر در حضرت موسی «مثلی» از امیرالمؤمنین(ع) می یابیم، دربردباری و صبر با مردمش، و جدا نشدن از آنان حتی در جریان «تیه» و گمراهی، و سرپیچی از دستورات حضرت موسی(ع)... و نیز در آمادگی او برای مبارزه، حتی در صورت تنها ماندن با برادرش در میدان مبارزه... این حالات حضرت موسی نیز (مثلی) برای برخی از حالات امیرمؤمنان(ع) است، در آن زمانی که با برادرش رسول خدا(ص) تنها ماندند، بدون یآوری در جهاد...

سرگذشت هارون(ع) نیز این تصویر را کامل تر می کند، رنج هارون(ع) در هنگام غیبت موسی(ع) تصویری است از رنج امام با امت در غیاب رسول خدا(ص) و اینکه چگونه این روی گرداندن امت آن دو را آزد، و شدت علاقه آنان به حفظ وحدت امت و بی توجهی نکردن در این باره که حتی در هنگام خیانت به ایشان نیز از آن غافل نشدند... گاه حالت امیرالمؤمنین(ع) به حال هارون(ع) مقایسه می شود، که پیامبر را مخاطب قرار می دهد، با همان لحنی که هارون برادرش موسی را مخاطب قرارداد:

«یابن ام ان القوم استضعفونی و کادوا ان یقتلون...»

وزارت هارون برای موسی، و منزلت او برای موسی نمونه ای برای وزارت امیرالمؤمنین برای پیامبر(ص) و منزلتش نزد آن حضرت است.

#### داوود و سلیمان(ع)

همچنین آن گاه که آیات مربوط به داوود و سلیمان(علیهما السلام) را گردآورید، تصویری(دیگر) از امام علی(ع) برای شما ترسیم می شود؛ و تصویری از حسن و حسین و نقش آن دو بزرگوار با پدرشان به دست می دهد... و هنگامی که آیات مربوط به داستان کشته شدن جالوت به دست داوود، و قهرمانی او و ضربت حماسی اش را قراءت کنید، و اینکه چگونه همان قهرمانی و ضربت، ملاک امامت و حکومت خاندان داوود بوده است، این آیات نیز تصویری از علی بن ابی طالب(ع) و نقش و موقعیتهای حماسی او در ریشه کن کردن کافران و تثبیت دین ارائه می دهند، و اینکه همان نقش، ملاک امامت و حکومت خاندان علی و فاطمه(علیهما السلام) و وراثت حسنین از علی(ع) از هر نظر بود، همان گونه که سلیمان وارث داوود بود... و هنگامی که ولایت تکوینی داوود و سلیمان بر کوه ها، باد، آهن، حیوانات وحشی، شیاطین و جن و آشنایی آنان با زبان پرندگان، و شنیدن سخن مورچه از سوی سلیمان را می نگریم، اینها نیز تصویری است از ولایت تکوینی که به علی(ع) اعطا شده، یا ولایت تکوینی، حکومت و ولایت تشریحی که می توان برای او تصویر کرد... و هنگامی که آیات مربوط به داستان آوردن تخت بلقیس را می خوانید، که توانایی و ولایت مردی را که «دانشی» از کتاب داشت، قوی تر و بالاتر از نیروی ولایت عفریت جن می داند، روشن می شود که چه قدرت و نیرویی ممکن است به امیرالمؤمنین داده شود؛ توانایی و قابلیت که به دلیل داشتن علم کتاب در اختیار او بود...

همین گونه، هنگامی که آیات مربوط به آل عمران و خاندان نبوت (همسر عمران، زکریا، همسر او، مریم، عیسی و یحیی علیهم السلام) را بخوانید، ابعادی از زندگی اهل بیت برای شما روشن می شود، و بخشی از زندگی امیرالمؤمنین(ع) پرتو خواهد افکند، بویژه آیات مربوط به زکریا و عیسی(علیهمما السلام).

برخی از اولیاء الله

هنگامی که آیات مربوط به عده ای از اولیاء الله را بخوانید، که پیامبر هم نبوده اند، باز هم بخشهای مهمی از شخصیت امیرالمؤمنین روشن خواهد شد؛ از جمله مردی که قرآن از او چنین تعبیر می کند: (جاء رجل من اقصی المدینه یسعی...) و از دور دست شهر مردی دوان دوان آمد و گفت: ای مردم از این فرستادگان پیروی کنید. (یس/۲۰)

و نیز مؤمن آل فرعون و گفت و گوی او با قومش، و دفاع او از موسی، و دعوت او با آن منطق متعالی و استدلالهای کوبنده و مفاهیم بلند.

و مانند دو مردی که خداوند بدانها نعمت ارزانی کرد، همان دو که درست در لحظه ای که قوم موسی او را تنها گذاشتند و از جهاد روگردانند و طاعت خدا را فراموش کردند، آن دو موسی را یاری کردند، با موعظه هایی بلند.

و نیز لقمان با حکمت و تعالیم حکیمانه و توصیه ها و موعظه های ارزشمندش.

مانند «ذی القرنین» و سیره ربانی، فتوحات پیروزمندانه و امدادهای الهی به او، و توکل و اعتمادش به خداوند...

و مانند «اصحاب کهف» و داستان شگفت آنان، هدایت ربانی، و الهامهایی که در زمینه دانش دینی بر آنها شد....

و مانند بنده صالحی که موسی(ع) با او و جوان همراهش برخورد کرد، و کسی که خداوند به او «علم لدنی» ویژه ای عنایت فرمود و وظیفه ای مخصوص بر عهده او گذاشت، کسی که نقشی بزرگ و شگفت را عهده دار شد که بر اساس «علم الهی» بود، و نه بر اساس مقیاسهای معمول و شناخته شده... داستانهای این اشخاص ابعاد بزرگی از شخصیت امیرمؤمنان را می نمایانند و به روشنی نشان می دهند که چگونه برخی از اولیا حتی بر پیامبران نیز برتری داشته اند با اینکه خود پیامبر نبوده اند... در این حقایق اشاره است به فضل و منزلت و ولایت امیرالمؤمنین که حتی گسترده تر از ولایت برخی از پیامبران بوده، با اینکه پیامبر نبوده است.

دعای پیامبران

اگر به دعای پیامبران بویژه حضرت ابراهیم توجه کنیم، درخواستی یافت که امیرمؤمنان تبلور خواسته آنان، یا در مواردی جزء مصادیق دعای آنان است که مستجاب شده است.

گویی آن حضرت معنای دعایی است که ابراهیم(ع) از خدا خواست:

«واجعل لی لسان صدق فی الآخِرین...» شعراء/۸۴

خداوندا برای من در میان آیندگان آوازه نیکو گذار!

یا او مصداق این آیه است که فرمود:

«و جعلنا لهم لسان صدق علیا» مریم/۵۰

و ذکر خیر بلندی برای آنان قرار دادیم.

توجه به این آیات، درهای هدایت را به روی شما می گشاید تا حدیث شریف نبوی را که در آن بارها میان امیرمؤمنان و پیامبران و صدیقان گذشته مقایسه شده است دریابید، و سخنهای فراوان اهل بیت(ع) را که انبیا و اولیا را به امیرالمؤمنین بویژه و به طور عموم تشبیه می کردند. ۲.

۲. آیاتی که نمونه بارز آنها علی(ع) است

این قسمت شامل آیاتی است که درباره ایمان، و رابطه ولایت بین بنده و خدای تعالی و مؤمنین تسلیم شده به امر خداوند و متقیان، ابرار و اهل بهشت... و نیز آیاتی که درباره امیرالمؤمنین(ع) نازل شده است، که این قسمت مشتمل بر آیات فراوانی است و ما به برخی از آنها، تا آنجا که با روش و هدف ما سازگار باشد اشاره می کنیم، به گونه ای که متناسب با موضوع این آیات و بررسی شخصیت امام علی(ع) و منزلت و ولایت آن حضرت باشد.

راهنمای ما در پژوهش این آیات برای این منظور، خود قرآن کریم و حدیث شریف نبوی است، و واقعیت‌های زندگی امیرالمؤمنین(ع) و سنت‌های الهی جاری شده درباره پیامبران، و فرزندان و خاندان آنان. راهنمایی قرآن این است که آیاتی از قرآن به طور قطع و اجماع درباره امیرالمؤمنین(ع) است، آن آیات رهنمون ما به آیات یا مقاطع قرآنی مشابه خواهد بود، بدین گونه دروازه بزرگی از مباحث گسترده و عمیق به روی ما گشوده خواهد شد. سخن پیامبر، امیرمؤمنان را به صفات والایی می خواند یا از اتصاف او به آن صفات خبر می دهد، و از سوی دیگر واقعیت‌های زندگی امیرمؤمنان ما را به آیاتی که تنها بر زندگی آن حضرت قابل انطباق است و بس راهنمایی می کند. یا آیاتی که نمونه عالی و مصداق اکمل آنها پس از پیامبر(ص) آن حضرت است. سنت الهی درباره انبیا، اهل بیت و ذریه آنان نیز ما را به سوی آیاتی راهنمایی می کند که اهل بیت(ع) را دربردارد.

اینکه ما در هنگام تعارض یا تزاحم، اهل بیت(ع) را بر دیگران مقدم می داریم و تصورات و ادعاهای دیگر را مردود می شماریم، به دلیل اقتضای سنت الهی درباره پیامبران(ع) و اهل بیت(ع) و ذریه پاک آنان است، که به عنوان واقعیت تاریخی مطرح است.

ادعاهای دیگران درباره غیراهل بیت با سنت الهی درباره پیامبران(ع) و رسالت‌های بزرگ، و آنچه برتری پیامبر را می رساند، و برتری آن حضرت بر تمام پیامبران(ع)، هماهنگی نخواهد داشت، حال آن که ادعاهای خود اهل بیت(ع) با آنچه گفته شد سازگار است، بلکه این مقتضای سنت‌های الهی است.

واقعیت‌های تاریخی درست در هنگامی که ادعاهای مربوط به غیراهل بیت را تضعیف می کند، تقویت کننده سخنانی است که درباره اهل بیت می شود، زیرا ادعاهای رویارو با آنچه که درباره مقام فضل و ولایت اهل بیت گفته شده، متهم به این هستند که ساختگی باشند، که از سوی برخی از دشمنان اهل بیت پس از آن که به قدرت و حکومت رسیدند جعل شده اند و با اشاره برخی از زمامداران که اساس مشروعیت و مقبولیت زمامداری آنان بر این استوار بوده که بر اهل بیت برتری داده شوند، یا دست کم آنان را دارای فضایل مشابه اهل بیت قلمداد کنند. و تلاشی که بنی امیه در این زمینه کردند، جعل، دروغ و تحریف شخصیت است که در اینجا نیازی به بحث در آن باره نیست،

همین گونه برخی از تلاشهایی که برای انکار برخی از فضایل والای اهل بیت(ع) انجام می شود به همین غرض ورزی آلوده است.

توجه به این حقیقت شاهد این است که آنچه درباره فضایل اهل بیت(ع) به ما رسیده، بسیار کمتر از آن چیزی است که وجود داشته است، زیرا مبارزه پیگیر در چندین قرن علیه فضایل شان برخی از حقوق آنان را از ما پوشانده است.

از آنچه تا حال گفته شد معلوم می شود که پژوهش درباره امیرالمؤمنین(ع) در قرآن کریم موضوعی واقعاً گسترده، ژرف، و دارای شاخه های بسیار است، که تلاش برای بحث در همه جوانب آن نیازمند دایره المعارف پرحجمی است. ولی ما چنان که گفتیم، به اشاره ای بسنده می کنیم.

### علی پیشوای ابرار

قرآن کریم در سوره انسان برای امام علی بن ابی طالب، و صدیقه کبری فاطمه زهرا، و دو سبط پیامبر حسن و حسین علیهم السلام عنوان «ابرار» را به کار برده است. این نصی درباره آنان است که تردیدی در آن وجود ندارد؛ از باب تصدیق سخن خدا باید به آن ایمان داشت، اینکه این آیات فقط درباره آن حضرت نازل شده مسأله ای قطعی است، و این در زمانی بود که اهل بیت پیامبر همه غذای خود را سه روز پشت سر هم صدقه دادند، و در آن سه روز جز آب نخوردند، تا به نذر روزه خود وفا کنند که در پی آن این آیات نازل شد:

«إنّ الأبرار یشرّبون من كأس کان مزاجها کافوراً. عیناً یشرب بها عبداً یفجّرونها تفجیراً. یوفون بالنذر و یخافون یوماً کان شرّه مستطیراً. و یطعمون الطعام علی حبّه مسکیناً و یتیماً و أسیراً. إنّما نطعمکم لوجه الله لا نرید منکم جزاءً و لا شکوراً. انا نخاف من ربّنا یوماً عبوساً قمطیراً. فوقیهم الله شرّ ذلک الیوم و لقیهم نضره و سروراً. و جزاهم بما صبروا جنّه و حریراً. متکئین فیها علی الأرائک لایرون فیها شمساً و لازمهریراً. و دانیة علیهم ظلالها و ذلّت قطوفها تذلیلاً. و یطاف علیهم بانیة من فضة و اکواب کانت قواریراً. قواریر من فضة قدروها تقدیراً. و یسقون فیها کأساً کان مزاجها زنجبیلاً. عیناً فیها تسمی سلسبیلاً. و یطوف علیهم ولدان مخلدون إذا رأیتهم حسبتهم لؤلؤاً منثوراً. و اذا رأیت ثمّ رأیت نعیماً و ملکاً کبیراً. عالیهم ثیاب سندس خضر و استبرق و حلّوا أساور من فضة و سقاھم ربّهم شراباً طهوراً. إنّ هذا کان لکم جزاء و کان سعیکم مشکوراً» انسان/ ۵ - ۲۲

این مقطع قرآنی راهنمای کاوش در بسیاری از آیات قرآن کریم است که امیرالمؤمنین(ع) پس از پیامبر اکرم(ص) مصداق اعلای آنهاست، از آن جمله آیات مربوط به «ابرار» است، که امام علی(ع) به صراحت نمونه و نماد آنان قرار گرفته است.

عنوان ابرار، پنج بار در قرآن کریم به کار رفته است، به غیر از آیاتی که از سوره انسان نقل کردیم، در دو مورد از آن موارد عنوان «ابرار» بر علی(ع)، فاطمه زهرا(ع)، فاطمه بنت اسد (مادر امام)، و مجموعه ای از مؤمنان که تحت حمایت امیرالمؤمنین(ع)، اندکی پس از پیامبر مهاجرت کردند، اطلاق شده است. در یک مورد نیز دعای ابرار مطرح است که از خداوند محشور شدن با ابرار را خواسته اند، و در مورد دیگر پذیرش دعای آنان است که خداوند می فرماید که دعای آنان را مستجاب کرده و آنان جزء «ابرار» هستند؛ این آیات را در بخش بعدی خواهیم آورد. در این زمینه آیات ۱۹۳ تا ۱۹۸ سوره آل عمران را بنگرید. موارد دیگر نیز در این آیات به چشم می خورد:

«ان الابرار لفي نعيم» انفطار/ ۱۳

«ان الابرار لفي نعيم. على الأرائك ينظرون. تعرف في وجوههم نضرة النعيم. يسقون من رحيق مختوم. ختامه مسك و في ذلك فليتنافس المتنافسون. و مزاجه من تسنيم. عيناً يشرب بها المقربون»  
مطففين/ ۲۲ - ۲۸

«كلا إن كتاب الابرار لفي عليين. و ما أدراك ما عليون. كتاب مرقوم. يشهده المقربون»  
مطففين/ ۱۸ - ۲۱

آیات سوره انفطار و سوره مطفین همانند سوره انسان هستند، گویی اینها جزء همان سوره هستند، حال آن که این آیات در سالهای آغازین بعثت نازل شده اند و آیات سوره انسان در اواخر حیات پیامبر(ص).

اما آیات ۱۸ تا ۲۱ مطفین از موضوع مهم دیگری خبر می دهند و آن وجود کتاب ویژه ابرار است، و اینکه آن کتاب در «علیین» است، و اینکه آن کتاب نوشته شده است و مقربان آن را مشاهده خواهند کرد. برخی از مطالب مهم قابل استفاده از این حقایق بزرگ، پس از این خواهد آمد. رویارویی عنوان ابرار و عنوان فجار نیز نکته های مهمی دارد که به آن اشاره خواهیم کرد.

از جمله آیات مربوط آیات «برّ» است، زیرا عنوان «ابرار» از «برّ» گرفته شده است. آنان که همیشه اهل «برّ» باشند ابرار نامیده می شوند. بنابراین آیات «برّ» نیز مانند آیات ابرار جزء آیاتی هستند که امیرالمؤمنین(ع) در آنها یاد شده، و در هر کدام نکته ای و درسی نهفته است، آیه های «برّ» از قرار زیر هستند:

«لیس البرّ أن تولّوا وجوهکم قبل المشرق و المغرب و لكن البرّ من آمن بالله و الیوم الآخر و الملائکة و الكتاب و النبیین و أتى المال علی حبّه ذوی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل و السائلین و فی الرقاب و أقام الصلوة و أتى الزکاة و الموفون بعهدهم إذا عاهدوا و الصابرين فی البأساء و الضراء و حین البأس اولئک الذین صدقوا و اولئک هم المتقون» بقره/ ۱۷۷

«... و لیس البرّ أن تأتوا البيوت من ظهورها و لكنّ البرّ من اتقى و أتوا البيوت من أبوابها و اتقوا الله لعلکم تفلحون» بقره/ ۱۸۹

«... و تعاونوا علی البرّ و التقوی و لاتعاونوا علی الاثم و العدوان و اتقوا الله انّ الله شدید العقاب»  
مائده/ ۲

«یا ایها الذین آمنوا إذا تناجیم فلاتتناجوا بالاثم و العدوان و معصیة الرسول و تناجوا بالبرّ و التقوی و اتقوا الله الذی الیه تحشرون» مجادله/ ۹

امیرالمؤمنین(ع) در تمامی این آیات مصداق «برّ» است، زیرا اولاً به نص قرآن آن حضرت در صف پیشاپیش ابرار است، و دیگر اینکه اوصافی که برای ابرار در تفسیر «برّ» بیان شده در آن حضرت جمع آمده است، از مطالعه آیات، امتیاز آن حضرت بر تمامی صحابه معلوم می شود، و این بدان روست که به آسانی می توان تطبیق این صفات را در آن حضرت درک کرد، در حالی که تصور جمع آمدن این صفات در غیر آن حضرت از صحابه - به جز فاطمه و حسنین(علیهم السلام) دشوار است.

از اینکه قرآن شهادت می دهد امام(ع) در صف نخستین ابرار است این مطلب نیز روشن می شود که آن حضرت در آیات «نجوی» نیز از دیگران ممتاز است، که در آینده به این مطلب بازخواهیم گشت.

«تأمرون الناس بالبرّ و تنسون أنفسكم و انتم تتلون الكتاب أفلا تعقلون» بقره/۴۴

گواهی قرآن بر اینکه علی بن ابی طالب در صف نخستین ابرار است؛ در آیات استجابت دعای ابرار در سوره آل عمران، و آیات ستاینده ابرار در سوره انسان، می رساند که آن حضرت(ع) اهل امر به برّ است، زیرا همیشه در حال انجام و اتصاف به صفات «برّ» است، و از هیچ جنبه از جنبه های آن برای لحظه ای فاصله نمی گیرد، این مطالب برای هیچ یک از صحابه غیر از او تحقق نیافته، بنابراین جلو افتادن آنان بر آن حضرت و امر به «برّ» کردن شان دشوار است، در حالی که پیشاهنگ ابرار بودن آن حضرت و جلو افتادن او بر دیگران در امر به «برّ» بی تردید و صحیح است، بدون هیچ گونه گزافه یا تناقض.

هنگامی که سخن خدا را قراءت می کنید:

«كلا إنّها تذکره. فمن شاء ذکره. فی صحف مکرّمه. مرفوعه مطهره. بأیدی سفره. کرام برره»

عبس/ ۱۱ - ۱۶

از این آیات به حقیقت دیگری درباره علی بن ابی طالب پی می برید، یعنی از رتبه و درجه «برره» که در آیات فوق آمده به رتبه او آگاهی می یابید، زیرا قرآن گواهی می دهد که او در صف اول ابرار است، در همه آیاتی که از ابرار به طور عام یاد شده، آن حضرت به خصوص مورد نظر بوده است. ۳ از آیات سوره انسان می توان بهره های زیادی برد، که برخی از آنها را یادآور می شویم، از آن جمله است یادکرد صفات والایی که آن آیات برای امیرالمؤمنین(ع) گواهی کرده است، مانند تعبیرات «عبادالله»، وفا به نذر، ترس از روز قیامت، محفوظ ماندن از شرّ آن روز، اطعام غذا به دلیل دوستی خدا، برای خدا بودن عملشان، داشتن چهره هایی خرم، خوشحالی شان در روز قیامت، صبرشان، و اینکه (در روز قیامت بر اریکه (های نعمت) تکیه زده اند، و اینکه سایه های آن به آنان نزدیک و میوه هایش برای آنان «رام» است، جامه های ابریشمی سبز و دیبای سبز در برشان است و... این آیات به امیرمؤمنان و اهل بیت امتیازاتی می دهند که به هیچ کسی از امت داده نشده است، چیزهایی در این آیات بیان شده است که در آیات دیگر نیامده است؛ از جمله: «مزاجه کافوراً» و «یفجرونها تفجیراً».

این تعبیر به این معنی به خود افراد مقصود این آیات بر می گردد، از جمله این تعبیر که «یفجر العین تفجیراً» در سایر آیات نیامده است، چنان که تعبیر «مسرور» در روز قیامت نیز جز برای این ابرار در جای دیگر نیامده است.

«لا یرون فیها شمساً و لازمهریراً»؛ و «دانیة علیهم ظلالها»؛ و «ذلت قطوفها تذلیلاً»؛ و «آنیة»؛ و «من فضة» نیز در سایر آیات نیامده است.

و «مزاجها زنجبیل»؛ و «سلسبیل»؛ و «لؤلؤاً منشوراً». یعنی توصیف پسرکان به لؤلؤ منشور (مرواریدهای پراکنده) جز در این آیات یاد نشده است.

اما اینکه در این آیات از حورالعین سخن به میان نیامده، نخست بدان جهت است که یاد از آنها با وجود فاطمه زهرا مدح نخواهد بود، زیرا فاطمه زهرا بلند مرتبه تر از حورالعین است، و ثانیاً برای رعایت احترام فاطمه (ع) که از حورالعین نامی به میان نیامده است.



درباره شراب بهشت نیز تعبیراتی همانند «ملکاً کبیراً» و «طهوراً» جز درباره همین شراب که به اهل بیت اختصاص دارد درجای دیگر نیامده است، و همین طور تعبیر «سقا هم ربه هم» که خداوند سقای آنان باشد، جز در این مورد تصریح نشده است.

آخرین نکته آن که در این آیات این گونه نیست که اول بهشت بیان شود، سپس امتیازات و نعمتهای آن، بلکه نخست امتیازات شمرده شده، و در ضمن آن بهشت خاص (باغی ویژه در بهشت) بیان شده است، راز بزرگی در این بیان نهفته است، زیرا آیات در مقام مدح ویژه و شمارش امتیازات اهل بیت بر اهل بهشت است. بنابراین بهشت درجاتی دارد، زیرا پیش از نازل شدن این آیات وجود ایشان در بهشت مسلم بود، پس در اینکه این امتیازات در بهشت است، نقصی در مدح اهل بیت به حساب نخواهد آمد، با توجه به آن جایگاه مهم و بزرگ. ۴

#### علی (ع) پیشوای پرهیزگاران

اینکه پیامبر (ص) امیرمؤمنان را «امام متقیان» خوانده است، به ما اجازه می دهد که آیات مربوط به متقیان را مطالعه کنیم تا تصویری از چهره امام متقیان به دست آوریم، امامی که پیشاهنگ متقیان و نمونه والای پرهیزگاران است، و به دلیل سخن رسول اکرم (ص) نمونه والا و حقیقی آیات مربوط به متقیان است؛ و نیز به گواهی واقعیهای زندگی خود آن حضرت، و نیز به گواهی آیات صفات ابرار، که بالاتر از صفات متقیان است، و آن حضرت در آنها توصیف می شود. در واقع آن حضرت نخست صفات متقیان را به دست آورده است، و سپس مقام والاتر ابرار را.

آیات مربوط به این موضوع واقعاً بسیار است، درسهایی که از آن آیات می توان گرفت نیز بسیار گسترده است، ولی ما به آنچه به روش ما مربوط می شود، به اشاره و اختصار اکتفا می کنیم؛ نخست برخی از آیاتی را که متقیان را وصف می کنند می آوریم، سپس برخی از آیات مربوط به مقام متقیان را در آخرت، سپس برخی از ویژگیها و قوانین ولایت بین خدا و بندگان را به اندازه اندیشه و تدبیرمان خواهیم آورد.

«الم. ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین. الذین یؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوة و ممّا رزقناهم ینفقون. و الذین یؤمنون بما أنزل الیک و ما أنزل من قبلک و بالآخره هم یوقنون. اولئک علی هدی من ربهم و اولئک هم المفلحون» بقره ۱-۵

آیه ۱۷۷ سوره بقره را که پیش از این یاد کردیم، بنگرید (لیس البرّ) که عالی ترین صفات «برّ» را نام می برد، و چنین خاتمه می یابد:

«اولئک الذین صدقوا و اولئک هم المتقون»

و رابطه آن با آیات صادقین نیز خواهد آمد.

«... للذین اتقوا عند ربهم جنّات تجری من تحتها الأنهار خالدين فیها و أزواج مطهرة و رضوان من

الله و الله بصیر بالعباد. الذین یقولون ربنا اننا آما فاعفر لنا ذنوبنا و قنا عذاب النار. الصابرين و الصادقین

و القانتین و المنفقین و المستغفرین بالأسحار» آل عمران/ ۱۵ - ۱۷

«الذین استجابوا لله و الرسول من بعدما أصابهم القرّح للذین أحسنوا منهم و اتقوا أجر عظیم»

آل عمران/ ۱۷۲

«إنّ الذين يغضون أصواتهم عند رسول الله أولئك الذين امتحن الله قلوبهم للتقوى لهم مغفرة و أجر عظیم» الحجرات/۳

«... و جنّة عرضها السموات و الأرض أعدت للمتّقين. الذين ينفقون فى السراء و الضراء و الكاظمين الغيظ و العافين عن الناس و الله يحبّ المحسنين. و الذين إذا فعلوا فاحشة أو ظلموا أنفسهم ذكروا الله فاستغفروا لذنوبهم و من يغفر الذنوب إلّا الله و لم يصرّوا على ما فعلوا و هم يعلمون. أولئك جزاؤهم مغفرة من ربّهم و جنات تجرى من تحتها الأنهار خالدین فیها و نعم أجر العاملين...» آل عمران/۱۳۳-۱۳۶

همین گونه، آیاتی که تشویق به صفات والایی می کنند که بخشی از صفات متقیان یا همه صفات آنان را در بردارند، امیرالمؤمنین(ع) نمونه تطبیقی آنهاست. زیرا ما یقین داریم که آن صفات در او وجود دارند، به دلیل گواهی قرآن در آیات ابرار و آیات صدق و آیات صدیقین و آیات احزاب و صفّ و... درباره آن حضرت.

صفات متقیان در این آیه، (در یک سخن) خلاصه شده است:

«والذی جاء بالصدق و صدق به اولئک هم المتقون» زمر/۳۳

«و الذی جاء بالصدق» یعنی آن که سخن راست را آورد که رسول اکرم(ص) است، و «صدق» و درستی در این آیه همه اسلام است، با همه عقائد، مفاهیم و احکام آن. و «الذی صدق به» به تمام و کمال، همان مصداق اعلاى کسی است که در آیه با رسول اکرم قرین قرار داده شده است. تصدیق حقیقی، ایمان، عمل، استقامت و فرمان برداری است، شاید مصادیق این آیه در آن زمان به علی و فاطمه منحصر می شد، اما برکت و فیض آن بر مؤمنان راست کردار نیز پرتو می افکند.

در یک سخن پاداش متقیان این گونه در قرآن کریم بیان شده است:

«لهم ما یشاؤون عند ربّهم ذلک جزاء المحسنین. لیکفّر عنهم أسوأ الذی عملوا و یجزیهم أجرهم بأحسن الذی کانوا یعملون»

این آیه آنچه را که متقیان در نزد پروردگارشان دارند بدون قید بیان می کند، نمی گوید «آنچه که در بهشت بخواهند»، یعنی آنچه از بهشت و صفات یادشده در بهشت وجود دارد، زیرا فرق است بین اینکه خواسته های آنها به بهشت و آنچه در حصار بسته آن موجود است محدود باشد، و بین اینکه حدّ و رمزی برای برآورده شدن خواسته های آنان بیان نشود. آیاتی که ویژگیهای متقیان و پاداشهای آنان در آخرت و روز قیامت را توصیف می کند فراوان است، آیات بالا از آن جمله است، و نیز این آیات:

«و العاقبة للمتّقین» اعراف/۱۲۸ و قصص/۸۳

«إنّ العاقبة للمتّقین» هود/۴۹

«یوم نحشر المتّقین الی الرحمن وفداً. و نسوق المجرمین الی جهنّم ورداً»

مریم/۸۵ - ۸۶

«أم نجعل المتّقین کالفجار»

«و ازلفت الجنّة للمتّقین» شعراء/۹۰

«و ان للمتّقین لحسن مآب» ص/۴۹

«و الآخره عند ربّک للمتّقین» زخرف/۳۵

«مثل الجنة التي وعد المتقون تجري من تحتها الأنهار أكلها دائم و ظلها تلك عقبى الذين اتقوا و عقبى الكافرين النار» رعد/٣٥

«ان المتقين فى جنات و عيون. ادخلوها بسلام آمنين. و نزعنا ما فى صدورهم من غلّ إخواناً على سرر متقابلين. لا يمستهم فيها نصب و ما هم منها بمخرجين» حجر/٤٥ - ٤٨  
«و قيل للذين اتقوا ماذا أنزل ربكم قالوا خيراً للذين أحسنوا فى هذه حسنة و لدار الآخرة خير و لنعم دار المتقين. جنّات عدن يدخلونها تجري من تحتها الأنهار لهم فيها ما يشاؤون كذلك يجزى الله المتقين. الذين تتوقاهم الملائكة طيبين يقولون سلام عليكم ادخلوا الجنة بما كنتم تعملون» نمل/٣٠ - ٣٢

«قل أذلك خير أم جنة الخلد التي وعد المتقون كانت لهم جزاءً و مصيراً. لهم ما يشاؤون خالدين كان على ربك وعداً مسؤولاً» فرقان/١٥ - ١٦  
«الأخلاء يومئذ بعضهم لبعض عدوّ الا المتقين. يا عباد لا خوف عليكم اليوم و لا أنتم تحزنون. الذين آمنوا بآياتنا و كانوا مسلمين. ادخلوا الجنة أنتم و أزواجكم تحبرون. يطاف عليهم بصحاف من ذهب و أكواب و فيها ما تشتهيهِه الأنفس و تلذّ الأعين و أنتم فيها خالدون. و تلك الجنة التي اورثتمونها بما كنتم تعملون. لكم فيها فاكهة كثيرة منها تأكلون» زخرف/٦٧-٧٣

«انّ المتقين فى مقام امين. فى جنّات و عيون. يلبسون من سندس و استبرق متقابلين. كذلك و زوجناهم بحور عين. يدعون فيها بكلّ فاكهة آمنين. لا يذوقون فيها الموت إلاّ الموتة الأولى و وقاهم عذاب الجحيم. فضلاً من ربك ذلك هو الفوز العظيم» دخان/٥٠ - ٥٧  
«مثل الجنة التي وعد المتقون فيها انهار من ماء غير آسن و أنهار من لبن لم يتغير طعمه و أنهار من خمر لذة للشاربين و أنهار من عسل مصقى و لهم فيها من كلّ الثمرات و مغفرة من ربهم» محمد/١٥

«فمن اتقى و أصلح فلا خوف عليهم و لا هم يحزنون» طه/١٣٣  
«... قل متاع الدنيا قليل و الآخرة خير لمن اتقى و لا تظلمون فتياً» نساء/٧٧  
«و أزلفت الجنة للمتقين غير بعيد. هذا ما توعدون لكلّ أوّاب حفيظ. من خشى الرحمن بالغيب و جاء بقلب منيب. ادخلوها بسلام ذلك يوم الخلود. لهم ما يشاؤون فيها و لدينا مزيد» ق/٣١ - ٣٥  
«انّ المتقين فى جنّات و عيون. آخذين ما آتاهم ربهم انهم كانوا قبل ذلك محسنين. كانوا قليلاً من الليل ما يهجعون. و بالأسحار هم يستغفرون. و فى أموالهم حقّ للسائل و المحروم» ذاريات/١٥ - ١٩

«ان المتقين فى جنات و نعيم. فاكهين بما آتاهم ربهم و وقاهم ربهم عذاب الجحيم. كلوا و اشربوا هنيئاً بما كنتم تعملون. متكئين على سرر مصفوفة و زوجناهم بحور عين» طور/١٧ - ٢٠  
«ان المتقين فى جنات و نهر. فى مقعد صدق عند مليك مقتدر» قمر/٥٤ - ٥٥  
«ان المتقين فى ظلال و عيون. و فواكهة مما يشتهون. كلوا و اشربوا هنيئاً بما كنتم تعملون. إنا كذلك نجزي المحسنين» مرسلات/٤١ - ٤٤  
«انّ للمتقين مفاضاً. حدائق و اعناباً. و كواعب اتراباً. و كأساً دهاقاً. لا يسمعون فيها لغواً و لا كذاباً. جزاءً من ربك عطاءً حساباً» نبا/٣١-٣٦

آنچه گذشت آیات قرآن درباره پاداش متقیان در آخرت است، همه را یکجا آوردیم تا خواننده همه را در پیش رو داشته باشد و بین آنها مقایسه کند و تصویر کاملی از متقیان در آخرت در دست داشته باشد، تا از این راه بتواند تصویری از مقام «امام متقیان» در آخرت به دست آورد و نقش او را در آن زندگی جاودانه دریابد، همچنین از تکرار آیاتی که درباره متقیان است در می یابیم که قرآن می خواهد همواره یاد متقیان در نظر خواننده باشد.

از مقایسه این آیات می فهمیم که متقیان در آخرت مرتبه ها و درجات متفاوتی دارند، برخی از آیات به گسترده ترین عنوان تقوا نظر دارند، که همه متقیان را شامل می شوند، و برخی از آیات نیز به عناوین ویژه که دایره ای محدود، یعنی بالاترین درجه تقوا و متقیان را شامل می شوند. برخی آیات از آن هم خاص ترند، یعنی برگزیده ترین متقیان را در نظر دارند، بعضی از آیات، تصویری که از متقیان ارائه می کنند نزدیک به تصویر ارائه شده از ابرار است... و سرانجام، امام متقیان و پیشوای ابرار در تمام این ویژگیها با متقیان شریک است، در تمام درجات شان، و در آنچه که برای آنها در آخرت آماده شده، اما نسبت به آنان برتری و امتیاز دارد، برخی از آن امتیازات از آیات ابرار روشن شد و برخی از آیات را نیز پس از این ذکر خواهیم کرد و از احادیث شریفه ای که وصف امیرالمؤمنین و مقام ملک عظیم او را در آخرت بیان می کنند نیز بهره خواهیم گرفت.

برخی از آیات که پیش تر آوردیم قسمتی از ویژگیهای نقش پیشوایان متقیان را در آخرت بیان می کنند و اینکه چگونه و چه ولایتی در آخرت دارند، زیرا به نوع پادشاهی و منصب آنان در آن جهان اشاره می کنند، و این گوشه ای از قاعده های ولایت بین خدا و بندگان اوست، این آیات را نیز اضافه کنیم:

«یا ایها الذین آمنوا إن تتقوا الله يجعل لکم فرقاناً» انفال/ ۲۸

«إنه من یتق و یصبر فإنّ الله لایضیع أجرالمحسنین...» یوسف/ ۹۰

«... و أقیموا الشهادة لله ذلکم یوعظ به من کان یؤمن بالله و الیوم الآخر و من یتق الله یجعل له مخرجاً. و یرزقه من حیث لایحتسب و من یتوکّل علی الله فهو حسبه إنّ الله بالغ امره قد جعل الله لكلّ شیء قدرأ» طلاق/ ۲ - ۳

«و من یتق الله یجعل له من أمره یسراً» طلاق/ ۴

«و منهم من یستمع الیک حتی إذا خرجوا من عندک قالوا للذین اوتوا العلم ماذا قال آنفاً اولئک الذین طبع الله علی قلوبهم و اتّبعوا أهوائهم. و الذین اهتدوا زادهم هدی و آتاهم تقواهم» محمد/ ۱۶ - ۱۷

«ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین» بقره/ ۲

«... فقلنا لهم کونوا قرده خاسئین. فجعلناها نکالاً لما بین یدیها و ماخلفها و موعظة للمتقین» آل عمران/ ۱۳۸

«و لقد آتینا موسی و هارون الفرقان و ضیاءً و ذکرى للمتقین» انبیاء/ ۴۸

«و لقد أنزلنا الیکم آیات مبینات و مثلاً من الذین خلوا من قبلکم و موعظة للمتقین» نور/ ۳۲

«... و إن الظالمین بعضهم أولیاء بعض والله ولی المتقین» جاثیه/ ۱۹

«و انه تذکره للمتقین» حاقه/ ۴۸

در این آیات چهار قانون از قوانین کلی «تولی» را می یابیم.  
یک: در بهره وری از صبر، جهاد و هر عمل صالح، تقوا از شروط است.  
دو: تقوای الهی عامل اصلی هدایت، بصیرت و علم است.  
سه: تقوا اسباب رهایی از دشواریها را فراهم می سازد، چه دشواریهای دینی و اعتقادی باشد، و چه تکوینی - انسانی، و فضای محیط بر انسان.  
چهار: تقوا شرط اساسی در گستره بهره وری از آیات است، چه آیات کونی، یا معجزه ها و کیفرها، یا آیات قرآن، یا حکمت نبوی. فقط متقیان هستند که از آیات موعظه می پذیرند، و آنان هستند که ایمان شان با آیات الهی افزایش می یابد، و آنان بیشتر از دیگران از آیات الهی فرا می گیرند و می آموزند.

آنچه گفتیم با آیاتی که به صراحت می گویند «ان الله مع المتقين» تأیید می شود، مانند آیه ۱۸۶ سوره آل عمران، و بقره: ۱۹۴ و توبه: ۳۶ - ۱۲۳.  
و همین گونه با آیاتی همانند:

«أَمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» مائده/۲۷

این آیه روشن می کند که پذیرش کارها، انواع «بر» و نیکوکاری و دعا فقط از اهل تقوا ممکن است. بنابراین تقوا از عوامل اصلی پذیرش و قبولی عمل است.

آیات: آل عمران/۷۶، توبه/۴ - ۷ تصریح دارند که خدا اهل تقوی را دوست می دارد.  
آخرین مطلب اینکه یاری و امداد فرشتگان فقط در صورتی اتفاق می افتد که ارتش رزمنده همراه و در رکاب پیامبر(ص) صبر و تقوا داشته باشند:

«بَلَىٰ إِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ»  
آل عمران/۱۲۵

بازنگری در این آیات می رساند که یافتن مصداقی درست و دقیق که نمونه واقعی آنچه گفته شده باشد، جز علی بن ابی طالب(ع) دشوار است؛ به دلیل دشواری جمع آمدن تمامی این صفات در کسی غیر از آن حضرت، در حالی که گردآمدن این صفات را در آن حضرت به آسانی می توان دید. برخی از آیات را نیز در اینجا نیاوردیم که برای منظور دیگری از آنها بهره خواهیم برد.

علی (ع) امیرمؤمنان

قرآن کریم صراحت دارد که امیرمؤمنان «أَمِنَ بِاللَّهِ = به خدا ایمان آورده» و اینکه او «مؤمن» است و از «مؤمنون» و «الذین آمنوا» است، و این در مواضعی در مدح امیرالمؤمنین آمده است، که در شأن صحابه دیگر نیامده است:

«أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهِدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ أَعْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ. يَبْشِرُهُمُ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَ رِضْوَانٍ وَ جَنَّاتٍ لَّهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ. خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ»

توبه/۱۹ - ۲۲

این آیه زمانی نازل شد که عباس، عموی پیامبر، و طلحه با همدیگر به کارهایی که می کردند تفاخر کردند، طلحه به آبادسازی مسجد الحرام افتخار کرد و عباس به «سقای» اش برای حاجیان، امام علی(ع) در جواب آن دو فرمود: «أنا أول من هاجر»؛ من نخستین مهاجر هستم. آنان مرافعه را نزد پیامبر(ص) کشیدند، و وحی نازل شد، کلامی روشنگر، چنین یاری و کمک صریح و گواهی روشن برای هیچ یک از صحابه از سوی خدا وجود ندارد، جز در مورد علی بن ابی طالب(ع).

«من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله فمنهم من قضى نحبه و منهم من ينتظر و ما بدلوا تبديلاً. ليجزى الله الصادقين بصدقهم و يعذب المنافقين إن شاء أو يتوب عليهم إن الله كان غفوراً رحيماً. و ردّ الله الذين كفروا بغيظهم لم ينالوا خيراً و كفى الله المؤمنين القتال و كان الله قوياً عزيزاً. و أنزل الذين ظاهروهم من أهل الكتاب من صياصيههم و قذف فى قلوبهم الرعب فريقاً تقتلون و تأسرون فريقاً. و أورثكم أرضهم و ديارهم و أموالهم و أرضاً لم تطؤوها و كان الله على كلّ شيء قديراً» احزاب/ ۳۳ - ۲۷

مردانی که به راستی آنچه را با خدا پیمان بسته بودند انجام دادند، علی بن ابی طالب و حمزه بن عبدالمطلب و عبیده بن حارث بن عبدالمطلب (رضوان الله عليهم) بودند و آن کسی که منتظر شهادت ماند، علی بن ابی طالب بود. خدا هیچ کسی از صحابه را چنین مدح نکرده است، حتی مدح شهیدان بزرگوار حمزه و عبیده در این آیات هم سنگ مدح علی(ع) نیست، برای اینکه داوری درباره کسی که در راه خدا شهید شده است به پای داوری درباره انسان زنده به اینکه به «راستی» به پیمان الهی وفادار است و تبدیلی در این مدح رخ نخواهد نمود و او پاداش راستان را خواهد داشت و اینکه او به راستی منتظر شهادت است نخواهد رسید، در حالی که حضرت حدود سی سال بعد از نزول آیه همچنان منتظر شهادت بود.

آیات دیگری هست که در توضیح کمک و یاری خدا و گشایش الهی بر مؤمنان در حادثه جنگ احزاب (خندق) نازل شد، که خداوند بر مؤمنان بدان منت گذاشت و به دست (توانای) امام علی(ع) به انجام رسید، بدون شرکت دیگر مسلمانان، و با آن حضرت، خدا مسلمانان را از مبارزه با مشرکان بی نیاز ساخت. مشرکان با غیظ و کینه عقب گرد کردند، بدون به دست آوردن نتیجه ای، که داستان خندق و کشته شدن عمرو بن عبدود عامری به دست امام و شکست مشرکان در پی قتل او معلوم و متواتر است. برخی از این آیات درباره آن حضرت نازل شد، به دلیل نقش مهم آن حضرت در آن جنگ، که بدان اشاره شد.

واقعیت این است که اولین محور مهم در سوره احزاب سخن از علی(ع) است، در این سوره واژه «مؤمنون» به دو معنای کاملاً متفاوت به کار رفته است، یکی به معنای تمامی مسلمانان، به جز پیامبر(ص) و علی بن ابی طالب(ع) که از وضعیت مسلمین در آن جنگ و حالت روحی و نظامی ضعیف و ترسشان سخن می گوید، و دیگری به معنای علی بن ابی طالب(ع) به خصوص که از وضعیت او در آن روز دشوار، وضعیت روحی و جهادی قوی و بلند او سخن می گوید. خداوند در ضمن آیاتی مسلمانان را چنین توصیف می کند:

«يا ايها الذين آمنوا اذكروا نعمه الله عليكم إذ جائتكم جنود فأرسلنا عليهم ريحاً و جنوداً لم تروها و كان الله بما تعلمون بصيراً. إذ جاؤكم من فوقكم و من أسفل منكم و إذ زاغت الأبصار و بلغت القلوب الحناجر و تظنون بالله الظنونا. هنالك ابتلى المؤمنون و زلزلوا زلزالاً شديداً. و إذ يقول المنافقون و

الذين في قلوبهم مرض ما وعدنا الله ورسوله إلا غروراً. و إذ قالت طائفة منهم يا أهل يثرب لامقام لكم فارجعوا و يستنذن فريق منهم النبي يقولون إن بيوتنا عورة و ما هي بعورة إن يريدون إلا فراراً. و لودخلت عليهم من أقطارها ثم سئلوا الفتنة لأتوها و ماتلبثوا إلا يسيراً. و لقد كانوا عاهدوا الله من قبل لا يولون الأدبار و كان عهد الله مسؤولاً. قل لن ينفعكم الفرار ان فررتم من الموت أو القتل و إذا لامتمعون إلا قليلاً. قل من ذا الذي يعصمكم من الله إن أراد بكم سوءاً أو أراد بكم رحمةً و لا يجدون لهم من دون الله ولياً و لانصيراً. قد يعلم الله المعوقين منكم و القائلين لاخوانهم هلمّ الينا و لاياتون البأس إلا قليلاً. أشحّه على الخير اولئك لم يؤمنوا فأحبط الله اعمالهم و كان ذلك على الله يسيراً. يحسبون الأحزاب لم يذهبوا و إن يأت الأحزاب يودّوا لو أنّهم بادون في الأعراب يستلون عن أنبائكم و لو كانوا فيكم ماقاتلوا إلا قليلاً» احزاب/ ۹ - ۲۰

آیات را به تفصیل آوردم تا حال مسلمانان (صحابه) در آن روز ترسناک به خوبی تصویر شود، هم چهره مؤمنان، و هم چهره منافقان با هم. مسلمانان نیز از همه طرف در محاصره چشمان شان از وحشت تیره و تار شده بود و جان به لبشان رسیده بود، درباره خدا گمان هایی (ناروا) می بردند، و سخت به زلزل افتاده بودند، اما منافقان، آن گونه که خدا وصفشان کرده دو گروه بودند، عده ای منافقان شناخته شده بودند، اما عده ای ناشناخته بودند که از داخل صفوف مسلمانان خراب کاری می کردند و در صفوف مسلمانان شکاف می انداختند، همان گونه که در قرآن بیان شده است. از این وضعیت حال مسلمانان در آن روز را می توان درک کرد، به خصوص که همدستی یهود و ائتلاف آنان با احزاب را علیه پیامبر و امتش به اینها ضمیمه کنیم، و خیانت شان را به امت اسلامی، در آن صورت وضعیت دشوار و خطرناکی که مسلمانان را احاطه کرده بود بهتر فهمیده خواهد شد.

قرآن کریم تلاش دارد وضعیت رسول اکرم(ص) و فرق روحیه آن حضرت و مسلمانان را بیان کند، و اینکه آنچه درباره روحیه خراب مسلمانان در آن حادثه بیان شد شامل حال پیامبر نمی شود، بلکه بر عکس، آرامش روحی آن حضرت برای مؤمنان حجّت بود، و آنان باید به آن حضرت اقتدا می کردند و او را در اطمینان، نترسیدن، توکل بر خدا، صبر، شجاعت و آمادگی برای مبارزه...الگوی خویش قرار می دادند .

«لقد كان لكم في رسول الله أسوء حسنة لمن كان يرجو الله و اليوم الآخر و ذكر الله كثيراً»

احزاب/ ۲۲ - ۲۱

سپس حال امیرالمؤمنین(ع) را بیان کرده است که مانند حال پیامبر بود، و فرق بسیار وضعیت روحی آن حضرت را با سایر مسلمانان در آن روز بیان فرموده است، و به آن حضرت عنوان «المؤمنون» داده است، بنابراین آن حضرت به تنهایی یک امت بود، چنان که دیگر مسلمانان همگی یک امت می شدند، اما با این حال از نظر حالت و کیفیت متفاوت بود؛ یعنی او حالتی بهتر و نیکوتر داشت نسبت به تمام مسلمانانی که امتی را تشکیل داده بودند.

«و لمّا رأى المؤمنون الأحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله و رسوله و صدق الله و رسوله و ما زادهم إلا

ایماناً و تسليماً» احزاب/ ۲۲

سپس مشخص می کند که منظور علی بن ابی طالب است، و او بازمانده «راستان» است که به پیمان خویش با خدا وفا کردند، و اینکه آن حضرت منتظر شهادت است، دگرگونی در اراده و انتظار

خویش به وجود نیاورده است و اینکه «فرج» الهی با دستان او تحقق یافته و امداد الهی به کمک او آمده است (زیرا فقط او بود که وارد مبارزه شده بود...)

اختصاص داشتن آیه ۲۲ به آن حضرت، و اطلاق لفظ مؤمنون بر امیرمؤمنان روشن است، زیرا فقط او بود که در میان مسلمانان، پس از پیامبر(ص) دارای روحیه عالی یادشده در آیه بود. تاریخ حتی نام یک نفر را ثبت نکرده است که در آن روز روحیه ای داشته باشد که شایسته این توصیف قرآنی گردد؛ زیرا همه آنان از رویارویی با عمروبن عبدودّ عامری روی می گرداندند، این معلوم و متواتر است، و همین گواه این است که مقصود از «مؤمنان» توصیف شده در آیه ۲۲ که هم به خدا و هم به پیامبر اعتماد کرده و وفادار مانده است فقط آن حضرت است.

«أفمن كان مؤمناً كمن كان فاسقاً لا يستوون. أما الذين آمنوا و عملوا الصالحات فلهم جنّات المأوى نزلاً بما كانوا يعملون. و أما الذين فسقوا فمأواهم النار كلما أرادوا أن يخرجوا منها أعيدوا فيها و قيل لهم ذوقوا عذاب النار الذي كنتم به تكذبون»

سجده/۱۸ - ۲۰

این آیه هنگامی که امام علی(ع) با ولید بن عقبه بن ابی معیط مناظره می کرد و ولید بر آن حضرت فخر می فروخت، برای پشتیبانی و تصدیق امیرمؤمنان(ع) نازل شد، امیرمؤمنان به او فرمود: «ساکت باش تو فاسق هستی!» آن گاه این آیه نازل شد.

چنین پشتیبانی و تصدیقی از سوی قرآن برای هیچ کس جز علی بن ابی طالب نازل نشده است. در این آیه در نهایت صراحت و به صورت کاملاً مشخص و بسیار اختصاصی سخن گفته شده، بنابراین علی بن ابی طالب مؤمن است، و خصم او ابن ابی معیط فاسق است.

همچنین علی(ع) کسی است که قرآن می گوید: «کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند» و خصم کسی است که قرآن می گوید: «کسانی که فسق ورزیدند»، و علی صاحب «جنّات المأوى» است، و جایگاه دشمنش آتش، که هر بار بخواهد از آن بیرون آید دوباره به آنجا بازگردانده خواهد شد. و به او گفته خواهد شد که بچش عذاب آتشی را که آن را تکذیب می کردی... زیرا این مناظره پس از آن انجام شد که «طلاق» وارد اسلام شدند. بنابراین، این آیات خصم امام را فاسق و اهل آتش می داند، این مسأله ای نادر و بی نظیر است، کمتر اتفاق افتاده که آیه ای شخصی را به طور مشخص، تفسیق کند و اهل آتش بخواند، با اینکه آن شخص مدعی مسلمانی است، و شهادتین بر زبان جاری می کند.

«ان الذين آمنوا و عملوا الصالحات سيجعل لهم الرحمن وداً» مریم/۹۶

این آیه نیز درباره امام علی(ع) نازل شده است، به «درّ المنثور» و سایر کتابهای فضائل مراجعه کنید.

«آتما وليکم الله و رسوله و الذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة و يؤتون الزکاة و هم راکعون. و من يتولّ الله و رسوله و الذين آمنوا فإنّ حزب الله هم الغالبون»

مائده/۵۵ - ۵۶

این دو آیه درباره ولایت امیرالمؤمنین(ع) نازل شده است، در اواخر عمر پیامبر(ص) امیرمؤمنان(ع) انگشتی خود را به سائلی در مسجد صدقه داد، اما در حال نماز بود، سائل در مسجد دور می زد و چیزی می خواست، کسی به او چیزی نداد، حضرت به انگشت خویشت اشاره کرد، در حالی که در رکوع



بود، و بدین گونه وضعیت را جبران کرد، این درست در هنگامی بود که رسول اکرم(ص) مانند موسی دعا می کرد که خدا به او وزیری از اهلش قرار دهد، برادرش علی را...

هنگامی که این دو آیه نازل شد، پیامبر(ص) تکبیر گفت، و خدا را به خاطر استجابت دعایش ستایش کرد، که ولایت امیرمؤمنان علی بن ابی طالب، پسر عمو و برادرش را بیان کرد.

آیات یادشده که امیرمؤمنان(ع) را با الفاظ «مؤمناً»، «المؤمنون» و «الذین آمنوا» و «من آمن» و «من المؤمنین رجال صدقوا» تعبیر می کند، ما را به آیات دیگری راهنمایی می کند که این الفاظ و تعبیرات در آنها به کار رفته است، که مصداق عالی آنها آن حضرت است، یا آیات متقین. کنار هم نهادن این آیات و آیات «برار» و متقین، راهنمای پژوهش درباره آیاتی است که به آن حضرت(ع) اشاره می کنند، یا آن حضرت از مصدق عالی آن آیات به شمار می رود، که به آن آیات اشاره خواهیم کرد.

اکنون برخی آیات مربوط به ایمان را نقل می کنیم:

«و الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک اصحاب الجنة هم فیها خالدون»

بقره/۸۲

«سندخلهم جنّات تجری من تحتها الأنهار خالدین فیها أبداً لهم فیها أزواج مطهّرة و ندخلهم ظلّاً

ظلیلاً» نساء/۵۷

«سندخلهم جنّات تجری من تحتها الأنهار خالدین فیها أبداً وعد الله حقّاً و من صدق من الله قیلاً»

نساء/۱۲۲

«ولئک اصحاب الجنة هم فیها خالدون. و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ تجری من تحتهم الأنهار و قالوا الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کنا لننتهدی لولا ان هدانا الله لقد جاءت رسل ربّنا بالحق و نودوا أن تلکم الجنة أو رثتمونها بما کنتم تعملون» اعراف/۴۵

«یهدیهم ربّهم بایمانهم تجری من تحتهم الأنهار فی جنّات النعیم. دعواهم فیها سبحانک اللهم و

تحیتهم فیها سلام و آخر دعواهم أن الحمد لله ربّ العالمین»

یونس/۱۰

«ان الذین آمنوا و عملوا الصالحات و أختبوا الی ربّهم اولئک اصحاب الجنة هم فیها خالدون»

هود/۲۲

«و أدخل الذین آمنوا و عملوا الصالحات جنّات تجری من تحتها الأنهار خالدین فیها بإذن ربّهم

تحیتهم فیها سلام» ابراهیم/۲۳

«إنّ الله یدخل الذین آمنوا و عملوا الصالحات جنّات تجری من تحتها الأنهار یحلّون فیها من أساور

من ذهب و لؤلؤاً و لباسهم فیها حریر. و هدوا الی الطیب من القول و هدوا الی صراط الحمید»

ابراهیم/۲۳-۲۴

«و الذین آمنوا و عملوا الصالحات لندخلنّهم فی الصالحین» عنکبوت/۹

«لنبوئنهم من الجنة غرفاً تجری من تحتها الأنهار خالدین فیها نعم أجر العاملین. الذین صبروا و

علی ربّهم یتوکلّون» عنکبوت/۵۸-۵۹

«فأما الذین آمنوا و عملوا الصالحات فهم فی روضة یحیرون» روم/۱۵

«لهم جنّات النعیم. خالدین فیها وعد الله حقّاً و هو العزیز الحکیم» لقمان/۸-۹

«و بشر المؤمنین بأنّ لهم من الله فضلاً كبيراً» احزاب/۴۷  
«فی روضات الجنات لهم ما يشاؤون عند ربّهم ذلك هو الفضل الكبير» شوری/۲۲  
«فما أوتیتهم من شیء فمتاع الحیاء الدنیا و ما عندالله خیر و أبقى للذین آمنوا و علی ربّهم  
یتوکلون» شوری/۳۶

«الذین آمنوا و عملوا الصالحات فلهم أجر غیر ممنون» تین/۶  
«لهم جنات تجری من تحتها الأنهار ذلك الفوز الكبير» بروج/۱۱  
«فیدخلهم ربّهم فی رحمته ذلك هو الفوز المبین» جائیه/۳۰  
همچنین در آیات مربوط به ایمان و مؤمنین می خوانیم:  
«و من یأته مؤمناً قد عمل الصالحات فالولئک لهم الدرجات العلی. جنّات عدن تجری من تحتها  
الأنهار خالدین فها و ذلك جزاء من تزکی»  
«أم حسب الذین اجترحوا السيئات أن نجعلهم كالذین آمنوا و عملوا الصالحات سواء محیاهم و  
مماتهم ساء ما یحکمون»

«یوم ترى المؤمنین و المؤمنات یسعی نورهم بین یدیههم و بأیمانهم بشراکم الیوم جنّات تجری من  
تحتها الأنهار خالدین فیها ذلك الفوز العظيم»  
اینها آیاتی هستند که می توانید در سوره های طه/۷۵ و ۷۷، جائیه/۲۱ و حدید/۱۲ و ۲۱ قراءت  
کنید.

آیات دیگری نیز هست که از بهشت مؤمنان یاد می کند، آن آیات نیز یا یاد امیرمؤمنان(ع) را در  
خود دارد، زیرا آن حضرت مصداق عالی عنوان مؤمنان است به گواهی قرآن، و نمونه عالی اهل درجات  
عالی پس از پیامبر است، یا اینکه از خود آن حضرت سخن می گوید و به پیروان ولایت او مژده می  
دهد، زیرا او امیرمؤمنانی است که مقامات یادشده را دارند، و این فوز عظیم و مقام بلندی است.  
سیاق آیات و لحن آنها و توصیف بهشت و مقامهای وعده داده شده در آنها ما را راهنمایی می کند  
که دو دسته از آیات را جدا کنیم، دسته ای از آیات که سیاق و لحن آنها مانند «نصّ» است و صراحت  
دارد که درباره امیرالمؤمنین (ع) است، یا نزدیک به نصّ است و یاد آن حضرت را دربردارد، و دسته ای  
دیگر از آیات که از سطح پایین تری سخن می گوید، به گونه ای که اهل ولایت را نیز شامل می  
شود، که آن حضرت به دلیل اینکه در مرتبه بالاتر است از این مقامات نیز برخوردار است، حال آن که  
دارندگان درجات پایین تر درجه مقامات عالی تر را ندارند، و همین امر تفاوت درجه این دو دسته را  
روشن می کند.

۱. تفصیل این بحث را در کتاب «الولاية فی الاسلام» بنگرید که این نوشتار فصلی از جلد دوم آن  
است، که ویژه ولایت اهل بیت است و به صورت مقاله ای در نشریه «رسالة القرآن»، شماره ۱۳، در  
تاریخ محرم ۱۴۱۴، صفحه ۱۶۳ تا ۱۸۲ به چاپ رسیده است.

۲. داستان برخی از پیامبران بیشتر از دیگران امامان، تمثیل خود امیرمؤمنان است، در حالی که قصه  
برخی دیگر از پیامبران، به سایر ائمه بیشتر شبیه است، تا امام علی(ع)؛ مانند داستان یحیی که

تمثیلی از حسین(ع) است و عیسی که مثلی از امام حسن(ع) است، و پیامبران به صورت عموم، تمثیل امامان به صورت عموم هستند.

۳. برای آن که مصداق آیات سوره انسان اهل بیت هستند، و او پیشاپیش آنان است، همین طور آیات سوره آل عمران که درباره هجرت آن حضرت نازل شده اند، و آیاتی که «برّ» را تفسیر می کنند، اوصافی را بیان می کنند که در آن حضرت جمع است.

۴. در اینجا ارتباط میان این تصویر که قرآن کریم از مقام امام ارائه می کند، با آنچه که پیامبر(ص) فرموده که علی «قائد البررة و قاتل الفجرة»، درخور توجه و درنگ است.

